



قصه زندگی فرشتگان زمینی



میهمان اول این شماره :

مهدیه ۶ ساله از یزد



با وجود رنگ پریدگی و بی حالی که به وضوح در چهره اش نمایان بود لبخند کودکانه اش هیچگاه از لبش محو نمی شد. مهدیه ۵ ساله است و چند وقتی است که به مهدکودک می رود. مهدیه مشکل حرکتی دارد و بدون کمک دیگران نمی تواند مستقل راه برود. پس از ارزیابی مهدیه در محل اجرای طرح راهی به آسمان در استان یزد، یک دستگاه واکر به او هدیه شد. مهدیه وقتی که روی واکر قرار گرفت و فهمید که می تونه تنهایی راه بره خیلی ذوق زده شده بود به طوریکه خنده اش همه ما را به ذوق آورده بود. مهدیه برای تشکر از بانیان اجرای طرح، شعری که به تازگی در مهد کودک یاد گرفته را برای ما خواند. این شعر به خودی خود گویای معصومیت این بچه هاست و به نوعی انگیزه ای است برای تلاش بیشتر برای اجرای چنین طرحهایی.

علاوه بر اهدای واکر و سی دی ها و کتابچه آموزشی به مهدیه و پدر و مادرش، برای کمک بیشتر به راه رفتن و استقلال مهدیه یک جفت اسپینت نیز برای او تجویز شد که قرار شد روز دیگری برای معاینه ارتوپد فنی مراجعه کنند. پس از یک هفته مهدیه با پدر و مادرش برای معاینه ارتوپدی به محل اجرای طرح آمدند. مادر مهدیه می گفت از روزی که با واکر از اینجا رفتیم مهدیه مدام توی خونه با واکر راه می رود و خیلی ذوق زده است از اینکه مدام مجبور نیست من را صدا کنه که چیزهایی را که می خواهد به او بدهم و علاوه بر آن خیلی بیشتر از قبل علاقه به راه رفتن دارد. مادر مهدیه می گفت از اون روز تا حالا چند بار با مهدیه به پارک رفتیم و مهدیه کلی با بچه ها بازی کرده است. وقتی مهدیه با واکر راه می رفت برق شادی را به راحتی می شد در چهره او دید. به امید روزی که این شادی حس جدانشدنی همه بچه های فلج مغزی یادارای مشکل جسمی - حرکتی کشورمان باشد...

اتل مثل شیریننه	امر خدا همینه
خدا که مهربونه	حال ما رو می دونه
گناه نکن که زشته	خدا اینو نوشته
خدا که بد نمی شه	نماز بخون همیشه

